



فهرست:

- فرع ۱۳: شروط وجوب ارشاد..... ۲
- فرع ۱۴: شرط عدم ضرر..... ۳
- فرع ۱۵: تراحم ارشاد با عناوین دیگر..... ۳



بسم الله الرحمن الرحيم

فرع ۱۳: شروط وجوب ارشاد

وجوب و ارشاد در جایی که واجب است مشروط به احتمال ضرر است شبیه آنچه در امر به معروف و نهی از منکر گفته شد که احتمال ضرر و احتمال اثر گذاری عقلایی شرط است و همین طور مشروط به این است که ضرر مع تنی بهی متوجه او نشود.

سوال این است که این شرائط در وجوب ارشاد هم وجود دارد یا نه؟

اگر احتمال تأثیر نمی‌دهد آیا اینجا هم مثل امر به معروف است یا نه؟ ظاهراً این گونه است. دلیل این که این شرط عقلایی است و دلیل لفظی نیست، از نظر عقلایی و نظام محاوره ای ادله منصرف از مواردی است که منصرف است. بعید نیست بگوئیم جایی که احتمال تأثیر نمی‌دهد ادله و اطلاعات وجوب ارشاد منصرف است در آیه انذار هم به این نکته اشاره کردیم «وَلْيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ» توبه/۱۲۲، یعنی احتمال حذر و تأثیر باید باشد در خود آیه احتمال تأثیر از خود آیه استفاده می‌شود اما در آیات دیگر این گونه نبود ولی باز در آنها عرفاً به مواردی حمل می‌شود که احتمال تأثیر گذاری می‌رود و الا اگر احتمال تأثیر نمی‌دهد ارشاد هم واجب نمی‌شود.

منتهی اینجا دو نکته وجود دارد، عدم احتمال تأثیر دو معنی دارد:

- ۱- احتمال نمی‌دهد او عمل کند، یعنی بعد از یاد گرفتن نماز احتمال خواندن نماز و عمل کردن نمی‌دهد احتمال تأثیر عمل لازم است و اگر یقین کند عمل نخواهد کرد ممکن است گفته شود ...
- ۲- احتمال تأثیر در مقام یادگیری نمی‌دهد، لهجه‌ای دور از عربی دارد هر کاری کند نمی‌تواند مثلاً ضاد را یاد بگیرد.

آیا هر دو شرط است یا فرق می‌کند؟ در اینجا احتمال تأثیر در یادگیری شرط است، نمی‌تواند اصلاً یاد بگیرد، به نظر می‌آید جای که احتمال عدم تأثیر می‌دهد دلیل از این منصرف است.

اما احتمال تأثیر در عمل که می‌تواند یاد بگیرد ولی یقین دارد عمل نمی‌کند در این تردید است، ممکن است احتمال تأثیر اگر هم نمی‌دهد باز هم یاد دادنش خوب است، بعید نیست بگوئیم اطلاعات انصراف ندارد. بنابراین عرض ما در مطلب دوازدهم این است که

احتمال تأثیر دو نوع است: احتمال تأثیر در مقام یادگیری و احتمال تأثیر در مقام عمل.

پس می‌گوئیم احتمال تأثیر از حیث یادگیری شرط است اما احتمال تأثیر از حیث عمل، جای تردید است و لذا احتمال تأثیر مستعجل و زودرس منظور نیست ولی در افق بلند مدت احتمال تأثیر یادگیری و عمل شرط است.



گاهی ارشاد جاهل برای اتمام حجت است یقین دارد عمل نخواهد کرد ولی در پایه های اعتقادی حجت برایش تمام نشده است ، ولی در اصول اعتقادی حتی اگر احتمال هم نمی‌دهد باز باید ارشاد کند و بیان کند.
و لذا ارشاد مشروط به احتمال تأثیر از حیث یادگیری است و در جایی که احتمال تأثیر از حیث عمل باشد محل تردید است ..

فرع ۱۴: شرط عدم ضرر

در اقدام به ارشاد ضرری متوجه او نشود در بحث ضرر در امر به معروف و نهی از منکر دلیل خاص دارد که ضرری متوجه خود او یا طائفه خود نباشد منتهی اینجا ضرر در جان به خودش یقین نیست، ... بعید نیست از دو منظر می‌توانیم اشتراط ارشاد به عدم ضرر را بررسی کنیم:

یک بار با رویکرد ادله عامه است که بعید نیست بگوییم اگر مستوجب ضرر به دیگران است این حرام است نسبت به ضرر به خود شخص اگر به قتل یا چیزهایی از قبیل قطع عضو باشد بعید نیست بگوییم اشکال دارد اما اگر ضرر معمولی و ضرر مع تنی بهی نیست اشکال ندارد البته برخی می‌گویند مطلق ضرر اشکال دارد در مسائل مالی دلیل خاصی نداریم اگر ضرری که عسر و حرج ایجاد می‌کند و عرف آن را قبیح می‌داند آن هم محدود است اما ضررهای کم را عرف می‌پذیرد .

بنابراین فی‌الجمله ضرر مشروط است .

ادله خاصه ای داریم که ضرر به خودش وارد نشود در باب امر به معروف و این ادله را می‌توان در قاعده ارشاد تسری داد.

نکته ای را حضرت امام در بحث امر به معروف و نهی از منکر آوردند اگر در جایی امر به معروف مستلزم ضرر است ولی ترکش مستلزم آفات بالاتری است مثلاً دین مخفی می‌ماند یا علما در معرض خطر قرار می‌گیرند واجب است اینجا گفته شود ولو بدانید اثری ندارد و یا ولو مستلزم کشته شدن باشد . تقید به ضرر در موارد عادی است ولی در مصالح بالاتر و حساس تر بگویید بلغ ما بلغ ؛ وجه فنی مسئله این است که تقدم حرمت اضرار از باب اهمیت یا حاکمیتش است ولی این در مواردی است که شرایط ویژه است و لذا باید همه سختی ها را تحمل کند و کار را انجام دهد.

فرع ۱۵: تراحم ارشاد با عناوین دیگر

گاهی ارشاد با عناوینی مزاحمت پیدا می‌کند مثل این که فتنه‌ای ایجاد می‌شود و وجوب ارشاد را متوقف کند.